

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۷ اکتوبر ۲۰۱۷

برخورد جنایت کارانه جمهوری اسلامی با کولبران!

برخوردهای سرکوب گرانه جمهوری اسلامی با کارگرانی که عمدتاً با حمل کالا بر پشت خود در تلاش اند تا لقمه نانی برای سیر کردن شکم خود و خانواده شان به دست آورند ، مدتی است که پدیده کولبری را با برجستگی هر چه بیشتری در مقابل دید جامعه قرار داده است. گرچه کولبری ویژگی کُردستان نبوده و نیست و در مناطق مرزی دیگر ، همچون بلوچستان هم رایج است اما انعکاس فزاینده جنایات جمهوری اسلامی علیه کولبران در کُردستان ، این پدیده را هر چه بیشتر در اذهان مردم مطرح ساخته است.

پاسداران و نیرو های مرزی جمهوری اسلامی در توجیه جنایات خود علیه کولبران ادعا می کنند که گویا آن ها قاچاقچی هستند. اما واقعیت این است که بخش بسیار بزرگی از کولبران به هیچ وجه صاحب کالائی که بر پشت خود حمل می کنند نیستند. این انسان های زحمتکش که از روی ناچاری و به خاطر ابعاد فلاکت بار بیکاری در منطقه ، با قبول همه سختی ها و حتی ریسک از دست دادن جان شان به این شغل روی آورده اند ، اساساً کالاهای سرمایه داران را به این یا آن سوی مرز حمل می کنند. کارگران کولبر در یک سوی مرز کالائی را از کارگزاران این یا آن سرمایه دار تحویل گرفته و در سوی دیگر مرز به صاحبان شان تحویل می دهند و آن چه در این معامله نصیب آن ها می گردد، جز چندرغازی نیست که اگر زنده ماندند ، به آن ها کمک می کند تا حداقل معاش خود و خانواده شان را تأمین کنند.

با توجه به وابسته بودن اقتصاد ایران به سیستم امپریالیستی جهانی و در شرایطی که این سیستم سال های طولانی است که در چنبره بحران و رکود دست و پا می زند ، دولت های امپریالیستی با مکانیسم هائی، همواره بار بحران های خود را هر چه بیشتر بر سر کارگران و توده های تحت ستم ایران سرریز می کنند. تأثیرات این امر گسترش روز افزون بیکاری و فقر و فلاکت ناشی از آن در جامعه ما می باشد. در چنین اوضاعی است که بسیاری از توده های خلق کُرد که در میان آنان جوانان تحصیل کرده حتی در سطح دانشگاهی نیز وجود دارند ، برای تأمین یک زندگی بخور و نمیر و یا در واقع جلوگیری از هلاک شدن در اثر گرسنگی ، با پذیرش ریسک جانی ، به این شغل بسیار دشوار و در عین حال خطرناک تن می دهند.

صعب العبور بودن راه های کُردستان و کوشش در انتخاب راه های سخت تر برای گریز از دید پاسداران مرزی ، به حد کافی بیان گر دشواری و طاقت فرسا بودن شغلی است که کارگران کولبر ، این انسان های شریف برای کسب لقمه نانی متحمل می شوند. اما این همه مسأله نیست. در مسیر راه نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی چهار چشمی مراقب

اند تا کولبران را به عنوان قاچاقچی هدف تیراندازی خود قرار داده و بارشان را به یغما ببرند. در چنین شرایطی است که کارگران کولبر همواره در خطر از دست دادن جان خود در اثر تیراندازی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار دارند.

بر اساس آمار های منتشر شده ، تنها از ابتدای سال ۹۶ تاکنون بیش از ۴۰ کولبر در گُردستان کشته شده اند که ۳۰ نفر از آن ها با شلیک مستقیم نیروی انتظامی و مرزبانی جمهوری اسلامی جان باخته اند. نیروهای سرکوبگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ، در شرایطی قلب کولبران زحمتکش را با گلوله های سربی خود نشانه می گیرند که در همان حال با همه قواء از کار قاچاق سردمداران رژیم و آقا زاده ها که در اسکله های خارج از کنترل دولت ، روزانه میلیون ها تن کالا را به طور قاچاق وارد کشور می کنند ، پاسداری می کنند. کار قاچاق سرداران و آقازاده ها در رژیم دزد و فاسد جمهوری اسلامی و پاسداری نیروهای سرکوبگر این رژیم از آن ها تا به آن جا آشکار است که احمدی نژاد در زمان ریاست جمهوری خود ضمن اعتراف به این واقعیت در یکی از سخنرانی هایش آن ها را "برادران قاچاقچی" خطاب کرد. این "برادران قاچاقچی" در سایه حمایت نیروهای نظامی مزدور ، کالاهای قاچاق را بدون پرداخت هر گونه مالیاتی در سراسر کشور توزیع می نمایند. بر اساس آن چه در روزنامه جهان صنعت (۱۵ شهریور ۹۶) آمده است ، روزانه میلیون ها تن کالا توسط باندهای بزرگ و سازمان یافته قاچاق کالا در سراسر کشور جا به جا می شوند. بنابراین مبارزه با قاچاق کالا نمی تواند توجیه گر جنایات پاسداران و نیرو های مرزی جمهوری اسلامی علیه کارگران کولبر باشد؛ مگر آن که گفته شود که آن ها صرفاً با قاچاق کالا توسط برخی از سرمایه داران مخالفند - که در این صورت نیز آن ها به جای جلوگیری از کار قاچاق آن سرمایه داران ، کارگرانی را که در شرایط فقر مفرط برای تهیه لقمه نانی ۵۰ تا ۱۰۰ کیلو بار را در راه های صعب العبور بر روی دوش خود حمل می کنند ، قاچاقچی معرفی کرده و آماج آتش سلاح های مرگبار خود قرار می دهند.

برخورد های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در گُردستان با کولبران تا به آن حد وحشیانه است که اخیراً در منطقه مرزی "دوله بی" سردشت پاسداران رژیم مبادرت به محاصره بیش از ۱۰۰ تن از کولبران محروم نموده و تلاش کردند تا از ورود آن ها به منطقه جلوگیری نمایند. کولبران محاصره شده از ترس تیراندازی نیروهای مرزی و به غارت برده شدن کالاهای شان به دامنه کوه ها و صخره ها پناه بردند. محاصره کولبران و شرایط بس دشواری که آن ها با پناه گرفتن در کوه ها و صخره ها بدون داشتن هرگونه آب و آذوقه پیش آورد، اعتراض به حق مردم گُردستان را بر انگیخت تا آن جا که روز پنجشنبه ۲۳ شهریورماه [سنبله] ۹۶ مردم روستای بیوران در سردشت در اعتراض به جلوگیری از عبور کولبران از مرز توسط سپاه پاسداران و جهت جلوگیری از دستگیری آن ها جاده را بستند و با پاسداران درگیر شدند. در این درگیری نیرو های سپاه پاسداران به روی مردم معترض آتش گشودند که در نتیجه آن یک کارگر کولبر و دختر جوانی از اهالی روستای مزبور که در مقابل درب خانه خود ایستاده بود ، بر اثر شلیک پاسداران جمهوری اسلامی مجروح شدند.

درگیری و برخورد وحشیانه پاسداران با کولبران و مردم پشتیبان شان در روستای بیوران ، در شرایطی رخ داد که روز دوشنبه ۱۳ شهریور ماه [سنبله] یعنی حدود ده روز قبل از آن درگیری ، نیروهای مرزی در منطقه بانه دو کولبر رنجیده را با شلیک گلوله در خون خود غلتانده بودند؛ جنایت وحشیانه و شرم آوری که با خشم و اعتراض همگانی مردم مبارز شهر بانه مواجه شد. اعتراضات و تظاهرات مردم بانه به کشتار کولبران توسط نیروهای نظامی رژیم چنان ابعاد وسیعی به خود گرفت که شهر عملاً به حالت تعطیل در آمد. مردم بانه در جریان این اعتراضات ، خواهان پایان دادن به کشتار کولبران شدند. در جریان این اعتراضات نیز پاسخ جمهوری اسلامی جز شدت بخشیدن به سرکوب

معترضان و توسل به زور برای پایان دادن به اعتراضات به حق و عادلانه آن‌ها نبود. با چنین برخوردی جمهوری اسلامی همچون سابق نشان داد که آمران و عاملان جنایات انجام شده علیه کارگران کولبر و توده‌های رنج‌دیده پشتیبان آنان، خود این رژیم و دستگاه‌های سرکوبش می‌باشند. بنابراین از چنین رژیمی نمی‌توان انتظار محاکمه آمران و عاملان این جنایت را داشت، چرا که به قول یک مثل مردمی، "چاقو دسته خودش را نمی‌بُرد". همه این واقعیتهای، همچون تمام تجربیات مبارزاتی مشابه، بار دیگر آشکار ساخت که جمهوری اسلامی همچون ۳۹ سال گذشته با زبانی جز زبان زور نمی‌تواند با کارگران و توده‌های ستمدیده سخن گوید. این واقعیتی است که مردم ما آن را در طول حیات جهنمی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی، با پوست و گوشت خود تجربه کرده‌اند.

کولبران به مثابه بخشی از طبقه کارگر ما، کارگرانی هستند که در شرایط بیکاری گسترده و روزافزون و فقر و فلاکت خانمان سوز برای گریز از هلاک شدن در اثر گرسنگی و برای تأمین یک زندگی بخور و نمیر به کولبری یعنی به یکی از خطرناک‌ترین شغل‌ها روی آورده‌اند. برخورد نیروهای نظامی جمهوری اسلامی با این کارگران که حتی با وحشی‌گری، آن‌ها را مورد آماج گلوله‌های خود نیز قرار می‌دهند، بیانگر ضدیت کل رژیم کارگر ستیز با کولبران و خانواده‌ها و حامیان آن‌ها می‌باشد. روشن است که با چنین رژیم دیکتاتور و ضد کارگری جز با قهر انقلابی نمی‌توان سخن گفت. تنها با اعمال قهر انقلابی علیه این رژیم و متشکل کردن طبقه کارگر در این مسیر می‌توان به سرنگونی کلیت این رژیم جنایتکار و از بین بردن سیستم ظالمانه سرمایه داری حاکم بر کشور و تمامی تجلیات بربر منشانه آن امیدوار بود.

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۴۵، پانزدهم مهر ماه ۱۳۹۶